

نام خدا



صالح حبیبی فرد

نام کتاب	: نیمی از من (غزلیات)
تالیف	: صالح حبیبی فرد
ناشر	: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی یاوریان
چاپ و صحافی	: منصور
صفحه آرا	: داور جعفرزاده
طراح جلد	: ناهیده حسین پور
نوبت چاپ	: اول ۱۴۰۲
قطع	: وزیری
تیراژ	: ۲۰۰
قیمت	: ۳۴۰۰۰۰۰ ریال
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۵۹۳۴-۵۴-۲

سرشناسه	: حبیبی فرد، صالح، ۱۳۵۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: نیمی از من (غزلیات) / صالح حبیبی فرد.
مشخصات نشر	: اردبیل: یاوریان، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	: ۳۴۰۰۰۰۰۰ ریال: 2-54-5934-622-978
شابک	: ۳۴۰۰۰۰۰۰ ریال: 2-54-5934-622-978
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۱۴
	: Persian poetry -- 20th century
	: غزل فارسی -- قرن ۱۴
	: Ghazals, Persian -- 20th century
رده بندی کنگره	: PIR۸۳۴۱
رده بندی دیویی	: ۶۲/۱۵۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۴۷۱۵۲۹
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیپا



انتشارات یاوریان

کلیه حقوق قانونی و مادی و معنوی برای مؤلف و ناشر محفوظ است هیچ شخص حقیقی یا حقوقی حق تکثیر تمام یا قسمتی از این مجموعه را ندارد
در صورت مشاهده تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند.

مراکز پخش تهران:

خیابان انقلاب، مقابل دانشگاه تهران، فخر رازی، نیک پور ساختمان ۱۴

www.yavarian-pub.com

۰۲۱-۶۶۴۹۱۴۸۰



این مطلب در فلسفه مشهور است که:

«عَدَمُ الْوُجْدَانِ لَا يَدُلُّ عَلَى عَدَمِ الْوُجُودِ»

یعنی شاید خیال کنی به چیزی که وجود ندارد ولی امکان وجود او یا آن هست»

آشنائی من با جناب صالح حبیبی فرد در شرکت بیمه معلم آغاز شد و ایشان آئینموقع جوان چهل ساله ای بودند و من درباره ایشان چنین باوری نداشتم که چون غواصی در بحر خروشان علم و ادب و شعر مهارت داشته باشند و باید وی را در آینهی شعرهایش دید و با آثار منشور و منظومش شناخت. از آثار گرانقدر مشارالیه که از سال ۱۳۹۶ تا آذر ماه ۱۴۰۲ ملاحظه می شود میتوان به فکر و اندیشه و نگاه و تحلیل و تسلط ایشان پی برد و به عبارت دیگر نشان دهنده تمامیت اوست گرچه آخرین اثر منظوم ایشان به نام «نیمی از من» متجلی شده است و قطعاً نیمی دیگر در آثار بعدی عیان خواهد شد و بنابر اصل زیبایی در سادگی است به نظر این حقیر که ۸ جلد تألیفاتی به نام «تحفه‌ی مرتضوی» دارم اشعار ایشان سرشار از زیبایی های شاعرانه اند که در واژه واژه و سطر سطر آن پراکنده اند.

جز وصف پیش رویت هرگز سخن بگویم
در عشق بی مثالی تا پای جان بگویم
دل شد فدای جانت لبخند عاشقانت
عالم مراد دلها گو مهربان بگویم
دل هدیه داد «صالح» تا بر کسی نبازد
چون عاشق است و رازش بر عاشقان بگویم
در سه بیت از مقطع یک غزل که سادگی می طلبد و تصویرها که ساده و روان هستند، در هم پیچیدگی تصاویری تواند برای شعر آفتی باشد در اشعار صالح دیده نمی شود. آثار منشور و منظوم به نام های: نگاهی اجمالی به تئوری های مدیریت (منثور)، نگاهی علمی نو و اسلامی به مدیریت (منثور)، نگاهی به صنعت بیمه (منثور)، مجموعه شعری «چکه ای از دل» غزلیات عاشقانه های دل، مجموعه منظوم «دلداد» و اشعار نغز «نیمی از من» دال بر شخصیت وجودی ادیب و اریب ایشان است برای آثاری از ایشان که به طبع آراسته شده اند اینجانب با اذعان به بضاعت مُزجاتم برای اثر «نیمی از من» چند سطر محی نگاشتم و دانستم که اشعار «صالح» چون گلهای معطر و لطیفی است که روح را صفا می بخشد زیرا:

«أَلْشُّعْرَاءُ أَمْرَاءُ الْكَلَامِ»

و من الله التوفيق و عليه المتكأن

خاک پای اهل قلم

الحاج سید اسمعیل محقق مرتضوی

غزل، قالبی برای بیان احساسات و عواطف است؛ نجوای شعر گونه‌ای که با اندک پیرایش و آرایش آن، غزلی خلق می‌شود که عواطف و احساسات مخاطب را نقطه‌ی کانونی خود قرار می‌دهد. چه بسیار غزل‌هایی که مخاطب با آن همزاد پنداری کرده؛ با آن گریسته، محزون شده، مسرور شده و آن را چونان آینه‌ای، ترجمان احوال درونی خویش دانسته است. غزل، حساس‌ترین عضو بدن آدمی یعنی، دل را نشانه می‌رود؛ دلی که مأمنی است برای دگرگونی‌های احوال آدمی. زمانی که احساسات افسارگسیخته، خواهان بروز و حضور در صحنه می‌شوند، زبان به تکاپو می‌آید و واژه‌هایی ناب بر روی صفحه کاغذ نقش می‌بندد و آن را چونان «پرنیان» می‌آراید:

تبلور واژه‌هایی نرم، ملایم، احساسی و عاطفی خالی از هر گونه زمختی و خشونت، جان را صیقل می‌دهد. مضمونی که پیش از هر موضوع دیگر در قالب غزل، صقال روح و جان است، «عشق» است؛ بطوریکه می‌توان گفت جان ماهی غزل، «عشق» است.

در این دفتر شعر نیز در میان موضوعات مختلفی مانند عوفان، اخلاق، فلسفه و ... موضوعی که چون ستاره می‌درخشد و چون موتوری محرک غزلیات است، «عشق» است؛ عشقی که پادشاه سرزمین «دل» است و «دل» دستخوش تصرفات آن؛ در وصال عشق سرمست می‌شود و در فراق عشق پژمرده ... لیکن چه در وصال و چه در فراق رذایل جان آدمی را می‌زداید و فضایل را به جای آن می‌نشاند. «هر که عاشق نیست، خود بین و پرکین باشد و خود رأی بُود. عاشقی بی‌خودی و بی‌رأیی باشد.»

نام این کتاب «نیمی از من» نیز بیان‌گر این است که غزل و عشق و دل در هم گره خورده‌اند. در بیشتر غزلیات این دفتر، حال دل در تصرفات گوناگون عشق بازگو شده است.

دکتر مریم ممی زاده

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه محقق اردبیلی

به نام خالق نظم

بسیار بعید می دانم که قدرت عظیم نهفته در کلمات بر کسی پوشیده باشد. اما چیدن کلمات در کنار هم و ساختن جمله با وجود محدودیت هایی چون وزن، ردیف و قافیه کاری است بس دشوار.

به اعتقاد بنده، شما در انجام این کار دشوار، سربلند هستید. قدرت کلامتان صد چندان باد.

سید مهدی شیرینی

به قلم شاعر: صالح حبیبی فرد

به نامش آنکه رب العالمین است خودش زیبا، مرامش بهترین است
خداوند زمین و ماه و خورشید بشر در خلقتش صد آفرین است

حبیبی فرد

خواننده عزیز، با عرض سلام، قبل از هر سخن وظیفه خود می دانم عرض ادب کنم به ساحت مقدس قافله سالار خدمت به بشریت به هر طریق و به هر شکل. سلام و درود به اساتید و پیشکسوتان در هر رشته، بخصوص اساتید و پیشکسوتان ادب و ادبیات، بوسه می زنم بر دستان توانمند آن گرانقدرانی که در قید حیات هستند و درود و تحیت می فرستم بر عزیزانی که دار فانی را وداع گفته اند و بنده ی حقیر خود را خوشه چین خرمن فضلشان می دانم و از صدق دل، غزلی تقدیمشان می کنم:

درس خواندم پیش استادی که درس آموخت تا از ادب سرشار گردم بهر ماندن در غنا
همتی در سربلندی بر ندارد جز به خیر دانشمی بدم بداد، آموزه هایی از وفا
عاشقی در مکتبی، کرده است و خود پیغمبری آرمانم شد محبت چون که شد او رهنما
شور ایمانش مرا شوری مضاعف می دهد عاشقانه، عشق را، اقرار می دارد فنا
می طلب از خالق، تاثیر عشق و عاشقی خود هویدا می کند، گنجینه هایی از طلا
از بزرگی اش گرفتم، درس ایشار و وفا می دهم دل را به استادی که می بالد به ما
من که عاشق پیشه ام روزی که خو کردم به عشق شمع را مصداق می دانم چو نوری از خدا
یادم آید آب و نان را درس داد و صد بداد هر کجایی بیندش، صالح ببوسد عشق را

درود بر ناشران بزرگواری که با عشق به میهن عزیزمان ایران و برای سربلندی فرهنگ این مرز و بوم کهن عمر و سرمایه ی خویش را وقف و صرف نشر حاصل از خلق تخیل سخنوران و نویسندگان نموده اند.

ادبیات هر فرهنگ بازتابی از ارزش ها و دغدغه های مشترک مردم آن است؛ روایتی شخصی از تجربه ی جمعی انسان بودن؛ شاعر، چیزی را به زبان می آورد که دیگران آنرا احساس می کنند، اغلب بدون آنکه از آن احساس، آگاهی داشته باشند، چیزی که آرزویش را دارند، حتی اگر تا قبل از خواندن کلمات هنرمند، از آن بی خبر بوده باشند.

ادبیات در سراسر جهان، سرشار از این ارزش ها و دغدغه های مشترک میان همه ی انسان هاست و «ادبیات ایرانی» نیز در دل آن، درخششی چشمگیر داشته است. ادبیات فارسی به خصوص در قالب شعر، پیوندی میان زندگی روزمره انسان و جهان معناهای والا و جاودانگی ها، برقرار می کند و نه فقط در دوره ای خاص یا از طریق آثار یک هنرمند، بلکه به شکلی پیوسته از زمان پیدایش خود تا هنرمندانی که اکنون در حال پیش بردن آن هستند. خواننده ی عزیز و بزرگواری که این مجموعه را در دست دارید و در حال مطالعه یا ورق زدنش هستید، همانگونه که مستحضر هستید، نام این مجموعه «نیمی از من / half of me» است، خدمت ناچیزی است از این حقیر که بزرگان و اصحاب علم و ادب با ذره پروری و بنده نوازی خود که بر این مجموعه مرقوم داشته اند، معرفی شده است، پس بنده عرض خاصی برای گفتن ندارم، این مجموعه حاوی ۴۰۰ غزل با مضامین عاشقانه، عارفانه ی شعری است که بحر و وزن (گل اشعار مشخص گردیده است که از سال ها پیش، آرزوی به ثمر نشستن آن را داشته ام

گفتن چهار صد غزل گر چه بود شعر من یار عنایتی نمود در پی پشتکار من شور و شرار عشق دل، شعله ی راو صالحی از کورسده قرار من، این همه اعتبار من دوستان عزیز، با عنایت به اینکه امروزه چنین اقتضا می کند صاحب اندیشه و احساسی به طریقی حرفی برای گفتن به هموعان خود داشته باشد، دست به قلم بردن و دل نوشته های خود را به منصه ی ظهور رساندن، خود هنری ویژه می طلبد، اما در این میان چه گفتن و چرا گفتن و به دنبال مخاطب گشتن هم کاری دیگرگون است.

استفاده از محضر اساتید ارزشمند رشته ادب فارسی همچون دکتر نورمند، دکتر ممی زاده، استاد مرتضوی شاهی، بختیاری، شیرین زاده و ... بهرمنند شدن از نظریات ایشان، حضور در محافل شعری، انجمن شاعران، مطالعه ی آثار اساتید برجسته ای همچون حافظ، سعدی، مولانا، شهریار، سیمین بهبهانی، پروین اعتصامی، فروغ فرخزاده، حسین منزوی، شفیع کدکنی و ... و دلپستگی های خاصی که به غزل داشتم مرا بر آن داشت که این مجموعه را گردآوری نمایم، شایان ذکر است اصلاح اوزان، نگارش، محتوا، سایر نکات ادبی این مجموعه توسط جناب دکتر نورمند (استاد برجسته ی ادبیات) بازنویسی گردیده است. بر خود فرض می دانم ضمن تشکر از خانواده ی محترم،

از زحمات، نظرات و روشنگری های ایشان و همچنین خانم ناهیده حسین پور، آقای داور جعفرزاده و کارکنان مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی یاوریان که در مراحل تدوین و چاپ این کتاب متحمل شده اند، کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم.

حسن ختام عرایض بنده سروده ی اولین شعر نو (سپیدی) است که تقدیم عزیزان می نمایم:

لب شیرین تو فرهادم کرد/

بی تو من ویرانم /

در تکاپویِ زمان می گردم /

خسته از فاصله ها /

و تو آن تکیه به خورشید زدی /

به تمنای وصال /

خواب رؤیای تو را می بینم /

و تو را می جویم /

سفری کرده ام از راه دراز /

که شوی محرم راز /

قدحی باده به دست /

اشک در چشم و نگاهم جاری است /

سینه ام در به در خاطره ها /

بغض در حنجره درگیر تو بود /

و تو آن رهگذر عاشق دل /

که چون مجنونی و با لیلی خود /

درس دیوانگی و شعر و جنون می خوانی /

وصف دلدادگیت، شادم کرد /

بی تو من حیرانم ...

والسلام

باتقدیم احترام

صالح حبیبی فرد

۱۴۰۲/۱۱/۱

بهار ۴۶ سالگی



فهرست مندرجات

عنوان	غزلیات	صفحه و ردیف
درآمد.....	۱	۱
نگار.....	۱	۱
مسلمان کن مرا.....	۲	۲
خدا را.....	۳	۳
عشق ازلی.....	۴	۴
دنیای نا کجا.....	۵	۵
اماما.....	۶	۶
کجا؟.....	۷	۷
خدایا.....	۸	۸
سوز دل.....	۹	۹
چهل نعمت خداوندی.....	۱۰	۱۰
مرحبا.....	۱۱	۱۱
صدای باران را.....	۱۲	۱۲
تو خدا.....	۱۳	۱۳
آدمیت.....	۱۴	۱۴
قُلاب را.....	۱۵	۱۵
مدارا.....	۱۶	۱۶
جانِ ما.....	۱۷	۱۷
قیمتِ عشق.....	۱۸	۱۸
دیوانه ی عاشق.....	۱۹	۱۹
پر توان کردن چرا؟.....	۲۰	۲۰
دوست انگاری.....	۲۱	۲۱
تلخی بوسه.....	۲۲	۲۲
واویلا.....	۲۳	۲۳
شمع و پروانه.....	۲۴	۲۴

- ۲۵..... دنیا و ماورا
- ۲۶..... نام نیک
- ۲۷..... می خواند مرا
- ۲۸..... جانان
- ۲۹..... سرای بی مثال
- ۳۰..... بیدلان سرمست
- ۳۱..... پروردگارا
- ۳۲..... زیبایی عشق
- ۳۳..... قرار بی قراری
- ۳۴..... ندانیم چرا؟
- ۳۵..... گاه عاشقی
- ۳۶..... خسران ما
- ۳۷..... دهد بهاری را
- ۳۸..... جانی مرا
- ۳۹..... جوانی را
- ۴۰..... تصویر ما
- ۴۱..... می تابی مرا
- ۴۲..... کردگارا
- ۴۳..... گفتم و گفتم
- ۴۴..... چشم یار
- ۴۵..... گویا
- ۴۶..... سرافرازی ها
- ۴۷..... زیبا ترین دنیا
- ۴۸..... جوانی و زندگانی
- ۴۹..... تورا
- ۵۰..... وفا

- ۵۱..... ماورا.....
- ۵۲..... دریا تر از دریا.....
- ۵۳..... همسر ما.....
- ۵۴..... آنچنان کردن چرا؟.....
- ۵۵..... ای مرغ سحر.....
- ۵۶..... جوانی ها.....
- ۵۷..... عشق را.....
- ۵۸..... کربلا.....
- ۵۹..... دوام ما.....
- ۶۰..... نظری.....
- ۶۱..... جانانیا.....
- ۶۲..... دلدار یار.....
- ۶۳..... وفا را.....
- ۶۴..... خدا داده تو را.....
- ۶۵..... مبادا.....
- ۶۶..... خواب ناب.....
- ۶۷..... آفتاب.....
- ۶۸..... ذره ای از آفتاب.....
- ۶۹..... امشب.....
- ۷۰..... خواب.....
- ۷۱..... عشق است.....
- ۷۲..... غیر ممکن است.....
- ۷۳..... ماه رخ دوست.....
- ۷۴..... یار به جز یار نیست.....
- ۷۵..... یار وفادار من.....
- ۷۶..... عطشان کرد و رفت.....
- ۷۷..... پایند دنیا است.....

- ۷۸..... بہار است
- ۷۹..... فرو ریخت
- ۸۰..... نشان کردگار
- ۸۱..... مہلت دیدار نیست
- ۸۲..... غرق تماشا
- ۸۳..... نہ ہمین است
- ۸۴..... لیلی و مجنون
- ۸۵..... چہ زیباست
- ۸۶..... با خداست
- ۸۷..... هست
- ۸۸..... محو نگاہت
- ۸۹..... عشق زیباست
- ۹۰..... بیچارہ مادر
- ۹۱..... عشق آتشین
- ۹۲..... زادہ ی خاک
- ۹۳..... انسان نیست
- ۹۴..... گیسوانت
- ۹۵..... گذشتِ عمر
- ۹۶..... دلِ مادر
- ۹۷..... وصفِ علی (ع)
- ۹۸..... دل بی تاب
- ۹۹..... تمام است
- ۱۰۰..... روا نیست
- ۱۰۱..... دیدنِ عشق
- ۱۰۲..... اینجاست
- ۱۰۳..... بیا مہدی (عج ا...)
- ۱۰۴..... مادر

- ۱۰۵ رزق
- ۱۰۶ انتظار یار
- ۱۰۷ خاستگاه دین
- ۱۰۸ شب قدر
- ۱۰۹ تخم گل
- ۱۱۰ عشق ورزی
- ۱۱۱ راه عشق
- ۱۱۲ ناز چشمانت
- ۱۱۳ مهر خویان
- ۱۱۴ دار بقاست
- ۱۱۵ روا نیست
- ۱۱۶ پرده دار
- ۱۱۷ روز خدا
- ۱۱۸ چشم جادویت
- ۱۱۹ امداد رسی نیست
- ۱۲۰ نامه ی عاشقانه
- ۱۲۱ راز دل
- ۱۲۲ خاطره ی دنیا
- ۱۲۳ پیداست کیست؟
- ۱۲۴ یادگاری اشک
- ۱۲۵ در لب ماست
- ۱۲۶ آرزوی وصال
- ۱۲۷ دارد کجاست؟
- ۱۲۸ شعر که پا می گرفت
- ۱۲۹ یار و سفر
- ۱۳۰ من همان که منم
- ۱۳۱ پنهان در گلو

- ۱۳۲ قافله عمر
- ۱۳۳ خدا می داند
- ۱۳۴ آخر صدایی می کند
- ۱۳۵ می دهد
- ۱۳۶ دلم خواهد
- ۱۳۷ مقدار خود
- ۱۳۸ خواه خود
- ۱۳۹ دور نمای راه
- ۱۴۰ شوق یار
- ۱۴۱ می بیند
- ۱۴۲ حرص دنیا
- ۱۴۳ حضرت یوسف (ع)
- ۱۴۴ عشق واقعی
- ۱۴۵ ترس جدایی
- ۱۴۶ خواهد آمد
- ۱۴۷ صورت و سیرت
- ۱۴۸ خواهی شد
- ۱۴۹ چنان کرد
- ۱۵۰ آران باران
- ۱۵۱ شکوه مادر
- ۱۵۲ چه داند؟
- ۱۵۳ دختر
- ۱۵۴ مدح خدا
- ۱۵۵ عشق دلبرانه
- ۱۵۶ سیمای مؤمن
- ۱۵۷ عاشقانه
- ۱۵۸ پدر و مادر

- ۱۵۹ مهربانی می دهد
- ۱۶۰ می آید
- ۱۶۱ عشق بازی
- ۱۶۲ عشق ازلی
- ۱۶۳ جوانی می رود
- ۱۶۴ پیش خدا
- ۱۶۵ همه رفتند
- ۱۶۶ نخواهد ماند
- ۱۶۷ آخر شد
- ۱۶۸ باران
- ۱۶۹ سوی تو می آید
- ۱۷۰ دل، مهربانی می کند
- ۱۷۱ چشمان منتظر
- ۱۷۲ تمنای عشق
- ۱۷۳ دیوانه شد
- ۱۷۴ چشم دل
- ۱۷۵ عشق، باید و نباید
- ۱۷۶ دعا
- ۱۷۷ سلام
- ۱۷۸ انتظار
- ۱۷۹ همسر
- ۱۸۰ خواهر
- ۱۸۱ برادر
- ۱۸۲ همچون بهار
- ۱۸۳ همچو بید
- ۱۸۴ پری وار
- ۱۸۵ وصل یار

- ۱۸۶ شوق یار و بیم یار
- ۱۸۷ حیدر کرار
- ۱۸۸ عاشق زار
- ۱۸۹ غم مخور
- ۱۹۰ پدر
- ۱۹۱ شب شعر و غزل
- ۱۹۲ هنوز
- ۱۹۳ دروغ
- ۱۹۴ عشق، دل، باران
- ۱۹۵ غنچه ی عاشق
- ۱۹۶ رخ بارانی
- ۱۹۷ چشم خمار
- ۱۹۸ شعلہ ی عشق
- ۱۹۹ عاشق باش
- ۲۰۰ بہ سوز عشق
- ۲۰۱ بخت ازلی
- ۲۰۲ من و دل
- ۲۰۳ دل را چه کنم
- ۲۰۴ زبانِ دل
- ۲۰۵ تو چه حاصل
- ۲۰۶ دل
- ۲۰۷ آری، ای دل
- ۲۰۸ سروری دل
- ۲۰۹ بیداریم
- ۲۱۰ نتوانم
- ۲۱۱ دلدادہ ی مستم
- ۲۱۲ سنگ صبورم

- ۲۱۳ بگذار بمیرم
- ۲۱۴ دل داده و دل دادن
- ۲۱۵ بهشتی ناب
- ۲۱۶ ورد زبانم
- ۲۱۷ کتمان می کنم
- ۲۱۸ یارش شوم
- ۲۱۹ وفادارش شوم
- ۲۲۰ عاشقم
- ۲۲۱ داشتم
- ۲۲۲ پدر و مادر
- ۲۲۳ دلبر شیدا
- ۲۲۴ کلام عشق
- ۲۲۵ درد سرم
- ۲۲۶ نعمانم
- ۲۲۷ صبر یا خواب گران
- ۲۲۸ نان و نمک
- ۲۲۹ شکسته جامم
- ۲۳۰ دلدادۀ ترینم
- ۲۳۱ پرچمدار مجنونم
- ۲۳۲ چشمان یار
- ۲۳۳ ستاره ی دلریا
- ۲۳۴ شعار جوانی
- ۲۳۵ خدای دردمندان
- ۲۳۶ آرزو
- ۲۳۷ کیستم؟!
- ۲۳۸ پریشانم
- ۲۳۹ گل و خار

- ۲۴۰..... جبران می کنم
- ۲۴۱..... داشتم
- ۲۴۲..... ارمغان دل
- ۲۴۳..... گنہگار توأم
- ۲۴۴..... دوست دارم
- ۲۴۵..... گلہ دارم
- ۲۴۶..... غلام پدرم
- ۲۴۷..... دلِ دلدار
- ۲۴۸..... چشمانِ طہورم
- ۲۴۹..... ای کُلم
- ۲۵۰..... رازِ عاشقان
- ۲۵۱..... رفتم
- ۲۵۲..... محرم راز
- ۲۵۳..... راوِ دل
- ۲۵۴..... عاشقِ دیوانہ
- ۲۵۵..... رازِ دانایی
- ۲۵۶..... عشاقِ زمان
- ۲۵۷..... یارِ مہربانم
- ۲۵۸..... دلِ حوّا
- ۲۵۹..... کُلم
- ۲۶۰..... مہربانی، مہربانم
- ۲۶۱..... یادگارت کردہ ام
- ۲۶۲..... نمی بینم
- ۲۶۳..... لطفِ خدا
- ۲۶۴..... ہمسفرم
- ۲۶۵..... دلِ گریان
- ۲۶۶..... عاشقِ ترینِ مجنون

- ۲۶۷..... تباری می کنم
- ۲۶۸..... دل و ماه تابان
- ۲۶۹..... حضرت مهدی (عج ا...)
- ۲۷۰..... پادشاه خوبان
- ۲۷۱..... تاج سرم
- ۲۷۲..... بقای محبت
- ۲۷۳..... سودای دیگرم
- ۲۷۴..... تقدیم جانت می کنم
- ۲۷۵..... بیگانه ترینم
- ۲۷۶..... دوست دارم
- ۲۷۷..... عشق را باور کنم
- ۲۷۸..... غم
- ۲۷۹..... راز دل
- ۲۸۰..... دلدادگی
- ۲۸۱..... بید مجنون
- ۲۸۲..... سجده بر حق
- ۲۸۳..... افتاده ام
- ۲۸۴..... هم نفس
- ۲۸۵..... آشنا شدم
- ۲۸۶..... چون تو را دارم
- ۲۸۷..... می بینم
- ۲۸۸..... شیطان منم
- ۲۸۹..... منم
- ۲۹۰..... وصف تو را شنیده ام
- ۲۹۱..... دیدن و نادیدن
- ۲۹۲..... آرمانی ساختن
- ۲۹۳..... ستایش عشق

- ۲۹۴..... گل من
- ۲۹۵..... دلپسته تر از من.....
- ۲۹۶..... عشق جان.....
- ۲۹۷..... غزال غزل.....
- ۲۹۸..... خواهی شدن.....
- ۲۹۹..... عشق پاک.....
- ۳۰۰..... تند خویی.....
- ۳۰۱..... جانان شدن.....
- ۳۰۲..... مزار من.....
- ۳۰۳..... یار من.....
- ۳۰۴..... شادتر از من.....
- ۳۰۵..... صفای عشق.....
- ۳۰۶..... امام حسین (ع).....
- ۳۰۷..... آو من.....
- ۳۰۸..... ماو من.....
- ۳۰۹..... گل من.....
- ۳۱۰..... ای یار من.....
- ۳۱۱..... یار من.....
- ۳۱۲..... خواهر.....
- ۳۱۳..... صف عشاق.....
- ۳۱۴..... شوق باران.....
- ۳۱۵..... گل.....
- ۳۱۶..... صبوری.....
- ۳۱۷..... ای مه من.....
- ۳۱۸..... خویشتن.....
- ۳۱۹..... پیمان.....
- ۳۲۰..... زندگی.....

۳۲۱.....	آرام جان.....
۳۲۲.....	قهر نکن.....
۳۲۳.....	بانی من.....
۳۲۴.....	چهارصد غزل.....
۳۲۵.....	حذر کن.....
۳۲۶.....	گذر ماه بین.....
۳۲۷.....	عنان اختیار من.....
۳۲۸.....	خدای خویشتن.....
۳۲۹.....	عشق، نثار من.....
۳۳۰.....	شد می توان.....
۳۳۱.....	ملک جهان و رای تو.....
۳۳۲.....	از او.....
۳۳۳.....	آسمان ابرو.....
۳۳۴.....	من دانم و تو.....
۳۳۵.....	مو به مو.....
۳۳۶.....	شهر رویایی من.....
۳۳۷.....	گویای تو.....
۳۳۸.....	در کوی تو.....
۳۳۹.....	کمان ابرو.....
۳۴۰.....	عاقل و دیوانه.....
۳۴۱.....	بهبانۀ ی عشق.....
۳۴۲.....	گواه فرودس.....
۳۴۳.....	لحظه های بی قراری.....
۳۴۴.....	گفتمش، گفت.....
۳۴۵.....	میزبان داری.....
۳۴۶.....	یار که هستی؟.....
۳۴۷.....	تونی.....

- ۳۴۸..... آشنائی
- ۳۴۹..... دوراهی
- ۳۵۰..... نشان مو به مویی
- ۳۵۱..... نام ننگ
- ۳۵۲..... چرا زیبایی؟
- ۳۵۳..... یارم نشدی
- ۳۵۴..... یارم نیستی
- ۳۵۵..... پافشاری عشق
- ۳۵۶..... تنها نیستی
- ۳۵۷..... حلالم کن
- ۳۵۸..... در کوی تو
- ۳۵۹..... گویای تو
- ۳۶۰..... ورد تماشا می توئی
- ۳۶۱..... چرا خوابیده ای
- ۳۶۲..... نوش دارو
- ۳۶۳..... خاکبازی
- ۳۶۴..... روزه می داری
- ۳۶۵..... نمی دانم و می دانی
- ۳۶۶..... به اهورا برسی
- ۳۶۷..... چه ناز آمده ای
- ۳۶۸..... ورد زبانم
- ۳۶۹..... خالقِ کربلا توئی
- ۳۷۰..... تو نباشی
- ۳۷۱..... تو خودِ خودِ خدایی
- ۳۷۲..... بینا شدی
- ۳۷۳..... زندانش کنی
- ۳۷۴..... جفا کردی

- ۳۷۵..... کجایی
- ۳۷۶..... است ای پری
- ۳۷۷..... مرام آشنایی
- ۳۷۸..... جوانه ی عشق
- ۳۷۹..... ای پری
- ۳۸۰..... آشتی و مهربانی
- ۳۸۱..... شور زندگی
- ۳۸۲..... گرفتار می شوی
- ۳۸۳..... دو راهی دل
- ۳۸۴..... در فراز هستی؟
- ۳۸۵..... گناه نگاه
- ۳۸۶..... مولا علی (ع)
- ۳۸۷..... گردانی
- ۳۸۸..... عشق نگاری
- ۳۸۹..... دارد عالمی
- ۳۹۰..... دل نگرانی
- ۳۹۱..... راهب و علی (ع)
- ۳۹۲..... نمایی
- ۳۹۳..... می دهی
- ۳۹۴..... جلوه ی عشق
- ۳۹۵..... گفتم و گفتا
- ۳۹۶..... آب روان
- ۳۹۷..... ما و من
- ۳۹۸..... دیدنی
- ۳۹۹..... همچو پری
- ۴۰۰..... تو مولایی که می آیی